

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رمز دستیابی به حقیقت فاطمی

برای رسیدن به حقیقت فاطمی اولین کار، نماز است

حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها بانویی است که قرآن کریم از ایشان به کوثر تعبیر کرده است؛ کوثر یعنی خیر کثیر. کسی را که خدا خیر کثیر بداند، خود خدا می‌داند چه عظمتی دارد. یک وقت من و شما می‌گوییم یک چیزی زیاد است، یک وقت خدا می‌گوید. خدایی که تنها به خاطر بعثت پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر خلق منت نهاده است؛ «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ»: خدا بر مؤمنین منت نهاد که پیامبری از خود آنها در میانشان برانگیخت. حال نگاه کنید که خدا بر همین پیامبر خاتم منت می‌نهد که «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ!» عظمت این بانو چیست؟ خدا می‌داند! اگر کسی بخواهد به معرفت فاطمه سلام‌الله‌علیها راه پیدا کند و از این خیر کثیر بهره‌ای ببرد، راهش این است که «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» یعنی نماز بگذارد. نمازی که معراج مؤمن است؛ الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ؛ نمازی که وسیله قرب هر انسان اهل تقواست: الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ. کسی که می‌خواهد به حقیقت فاطمی نزدیک شود، اولین کاری که باید بکند صلاة است؛ یعنی تا قلّه‌ی عرش باید با نماز پرواز کند و به قرب الهی نائل شود.

دومین رمز دستیابی به حقیقت فاطمی، قربانی کردن خود است

«فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ»: کسی که می‌خواهد به حقیقت فاطمی نزدیک شود، دومین کاری که باید انجام دهد، این است که قربانی کند؛ باید هر چه دارد قربانی کند. صورت ظاهر قربانی، شتری است که نحر می‌شود؛ اما حقیقت آن، این است که هر که می‌خواهد به حقیقت فاطمی نزدیک شود، باید هر چه دارد در راه او قربانی کند. اگر مال دنیا دارد، اگر پُست و مقام دارد، اگر آبرو و جاهتی دارد، اگر در بین

خلق موقعیت و جایگاه و مرتبتی دارد، اگر علم و دانشی دارد، اگر فهم و کمالی دارد، اگر طاعت و عبادتی دارد، اگر معرفت و کرامتی دارد، همه را باید قربانی کند؛ هم دنیایش، هم آخرتش را قربانی کند. «وَأَنحَر»، و نهایتاً خودش را باید قربانی کند. اگر کسی بخواهد به حقیقت فاطمی نزدیک شود، راهی جز این ندارد که خودش را قربانی فاطمه سلام الله علیها کند. تا وقتی اولیاء خدا را برای خودمان می‌خواهیم و می‌خواهیم آنها را هزینه‌ی خودمان کنیم؛ آنها را وسیله‌ی نیل خودمان به کمالات کنیم، راهی به آنها نداریم. هرگاه به گونه‌ای آنها را دوست بداریم که آنها را برای خودمان نخواهیم، بلکه خودمان را برای آنها بخواهیم، خودمان را فدای آنها بخواهیم، خودمان را قربان آنها بخواهیم، آنگاه است که می‌شود امید داشت که راه باز شود. واقعاً فکر کنیم تا به حال، ما چه چیزی از خودمان را قربان اهل بیت علیهم السلام کرده‌ایم؟! چه چیزی را قربان کرده‌ایم که انتظار نزدیکی و معرفت داریم؟ آیا در این عالم از چیزی گذشته‌ایم؟ مواردی که گفتم، مقدمه بود. اینکه از پولم بگذرم، از مقام بگذرم، از آبرویم بگذرم، از موقعیتم بگذرم، از طاعتم بگذرم، از عبادتم بگذرم، از مجاهدتم بگذرم، از ریاضتم بگذرم، از مکاشفاتم بگذرم، از کراماتم بگذرم، از مقامات معنوی‌ام بگذرم، اینها همه مقدمه است برای اینکه از خودم بگذرم. خب حالا بسم الله! هریک از ما محاسبه کنیم چه چیزی را قربان کرده‌ایم؟ آنها را برای خودمان خواسته‌ایم یا خودمان را فدای آنها؟ آنها را خرج خودمان کرده‌ایم یا خودمان را قربان آنها؟ نمی‌شود به قرب پیدا کرد، مگر اینکه خوشتن را قربانی کرد. راه دیگری وجود ندارد. اگر می‌خواهی نزدیک شوی، قربان شو! فدا شو! همه چیزت را بریز به پای دوست و نهایتاً خودت را، هستی خودت را.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ